

منتقبت الجواهر

در شرح احوال میرسید علی ہمدانی

مولانا حیدر بخشی

بہ اہتمام
اکرم آقا جانو



منقبت الجواهر

در شرح احوال میرسید علی ہمدانی

مولانا حیدر بدخشی

بہ اہتمام

اکرم آقا جانلو



انتشارات طہوری

سرشناسه	: بدخشی، حیدر، قرن ۸ ق.
عنوان و نام پدیدآور	: منقبت الجواهر/ حیدر بدخشی؛ به اهتمام اکرم آقاخانلو.
مشخصات نشر	: تهران: طهوری، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۶ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-600-5911-48-0
وضعیت فهرست نویسی: فیبا	
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۱۳۷] - ۱۴۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: همدانی، میرسیدعلی، ۷۱۴-۷۸۶ ق.
موضوع	: مجتهدان و علما -- ایران -- همدان -- سرگذشتنامه
موضوع	: Ulama -- Iran -- Hamadan -- Biography
موضوع	: آقاخانلو، اکرم، مصحح
رده بندی کنگره	: BP۵۵/۳
رده بندی دیویی	: ۹۹۸/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۵۵۳۸۳۲
وضعیت رکورد	: نمایه.



انتشارات طهوری

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، کوچه نوروز، شماره ۲۴، صندوق پستی ۱۶۴۸-۱۳۱۴۵

تلفن ۴۸۴۶۴۶-۶۶۴۶۴۶-۵۱۲۰۶-۹۱۲۲۲

www.tahooribooks.ir

منقبت الجواهر

مولانا حیدر بدخشی

به اهتمام: اکرم آقاخانلو

نمایه: فاطمه عابدی

چاپ اول، ۱۴۰۰

صفحه آرای: علمروز

تیراژ: ۳۳۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۹۱۱-۴۸-۰۰

حق هرگونه چاپ و تکثیر برای انتشارات طهوری محفوظ است

۶۵۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

مقدمه.....	۵
متن.....	۲۵
توضیحات.....	۱۲۰
نمایه‌ها.....	۱۲۷
فهرست منابع و مآخذ.....	۱۳۷
تصویر نسخ خطی.....	۱۴۱

بسم الله الرحمن الرحيم

مطربم در بزم عشاق خدا از دم عشق است نایم پر نوا

درود بی انتها خداوندی را که همه چیز در برابر زیبایی و قدرت او سر تعظیم فرود آورده است. خداوندی که انسان را آفرید او را از عالم بالا به پایین آورد و برای بازگشت، درهای آسمان را بر او گشوده گذاشت و در این وادی غربت او را تنها رها نکرد. درود بی انتها بر پیامبر گرامی حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم که این خاک نشینان را به دولت سعادت راهبری فرمود و درود بی انتها بر جانشین بحق او حضرت علی مرتضی و خاندان پاک و مطهر ایشان علیهم السلام، که هر یک خورشید ولایت و چشمه جوشان هدایت اند و دلهای تشنه و سوزان طالبان حق را سیراب می کنند.

شاهراه عرفان دل است؛ دلی که بیشه عشق است و صیاد لم یزل هر که را بخواهد با یک غمزه نگاه خود صید می کند. براستی این عشق است که دریاها را جوشان، رودها را خروشان، خورشید و ماه را فروزان، دلهای عاشقان را پر تب و تاب می کند. در حقیقت عشق، هسته حیات هستی است و دانه این عشق در وجود هر انسانی نهفته است. اثر حاضر درباره جناب سیدعلی همدانی قدس سره، از عرفای بزرگ قرن هشتم است که به دستگیری سالکان سیر الی الله پرداخت و به مرتبه والای انسانیت و معرفت الهی دست یافت.

بیان احوال جناب سید علی همدانی

سید علی بن سید شهاب الدین حسن همدانی عارف قرن هشتم ملقب به «امیر کبیر» و «علی ثانی»، متخلص به «علی» معروف به «شاه همدان» و مشتهر به «میر سید علی»، از بزرگان اولیاء و کبار عرفا است که اولیای پس از او نسبت خرقه خود را به وی می‌رسانند؛ عمر ایشان ۷۳ سال بود و در سال ۷۱۳/۷۱۴ ه.ق. وفات یافت. در شهر همدان دوره سلطنت سلطان محمد خدا بنده (۷۰۳/۷۱۹) هشتمین پادشاه از سلاطین مغولی ایلخانی زاده شد از طرف پدر و مادر، تبارشان به اهل بیت (علیهم السلام) می‌رسد. از کودکی تحت نظر خالش سید علاء الدین که از اولیاء بود پرورش یافت و قرآن را حفظ کرد. در امور والد خود التفات نمی‌کرد به این دلیل که او در همدان حاکم و به سلاطین و اعوان ملتفت بود در حالیکه دایی او یک عالم متقی بود؛ در دوازده سالگی به خدمت جناب شیخ شرف الدین محمود بن عبد الله مزدقانی (قدس سره)، مرید و جانشین جناب علاء الدوله سمنانی (قدس سره) در سلسله کبرویه رسید و به امر ایشان سه دفعه ربع مسکون را سیاحت نموده و صحبت هزار و چهارصد ولی را دریافت و چهارصد تن از ایشان را در یک مجلس سلطان محمد خدا بنده دید. او نویسنده پُرکار رساله‌های صوفیانه و شارح تعالیم صوفیانه بود در دفاع و نشر اسلام فعال بود و نقش وی در استقرار دین اسلام در کشمیر می‌تواند با اهمیت‌ترین میراث او باشد؛ سید علی همدانی به خاطر نفوذ معنوی و تبلیغ دین اسلام و بواسطه روابطش با حاکمان محلی و همچنین به خاطر تحولی که در کشمیر بوجود آورد و مکاتباتش با سلاطین و البته به سبب آثار زیادی که در زمینه تصوف از خود به جا گذاشته از جمله کتاب اخلاقی - سیاسی اش «ذخیره الملوک»، که شناخته شده‌ترین اثر اوست بسیار مورد توجه و احترام است.

در کتاب «انهار جاریه» مذکور است: «آنجناب بسیار غضوب بوده‌اند بعضی از مریدان سؤال نمودند شما که از کمال اهل طریقت هستید غضوب چرا باشید؟ در جواب فرمودند: اگر ما را غضبی می‌باشد اما غضب ما

رحمت است بر مغضوب علیه، زیرا که در اوایل سلوک ما را هر دوشنبه به خدمت حضرت رسول (ص) صحبت خاصه بود از غضب خود ملالتی در خاطر می‌آمد. حضرت فرمود که: ملول مباش که غضب تو رحمت است؛ و محقق شده بود که غضب ایشان سبب ترقی سالکان می‌بود.^۱

از آنجناب است که فرموده‌اند: «خازنان قضا چون سفره عطا باز کردند لایق هر واردی نواله‌ای از آن ساز کردند؛ خرقانی از آن دردی دید که بقای آن به ابقای خداست، همدانی گنجی یافت که از افهام عقول مبرا است، ظهور سطوات جلال، حاجب کمال خرقانی شد و بروز لطایف جمال و جلال، جابر کسر همدانی شد».^۲ و همچنین می‌فرمودند: «علی همدانی نه تنها در زمین درویش است بلکه هر که درویش است در زمین درویش و در آسمان نیز درویش است، بلکه مبرا از همه چیز درویش است».^۳

او در چهل سالگی ازدواج کرد و پسرش میرسید محمد بر طریق پدرش رفت و دخترش به ازدواج خواجه ابواسحاق ختلانی درآمد پس از سفرهای بسیار برای تبلیغ دین اسلام، به ویژه در ترکستان و کشمیر، نهایتاً در سال ۷۸۶ ه‍.ق. وفات نمود و جسدش در ختلان، کولاب فعلی تاجیکستان به خاک سپرده شد. آرامگاه وی در باغ مصطفایی قرار دارد و در آرامگاهش ده نفر از افراد خاندانش نیز آرمیده‌اند. مردم در روزهای چهارشنبه به زیارت ایشان می‌روند.^۴

۱. تبریزی، آقا میرزا احمد، «انهار جاریه»، کتابخانه احمدی، شیراز، ۱۳۷۳، ص ۱۷۳.
۲. همدانی، سیدعلی، «اسرار النقطه»، تصحیح و ترجمه محمد خواجه‌جوی، انتشارات مولی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۳۸؛ «انهار جاریه»، ص ۱۷۳.
۳. «اسرار النقطه»، ص ۳۸.
۴. محمدی، حسین، مقاله «نقش سیدعلی همدانی در گسترش فرهنگ ایرانی - اسلامی در شبه قاره هند»، کتاب «مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی میر سیدعلی همدانی» «پور مادستان پیر هندوستان»، به کوشش شریفیان، مهدی، احمدی، میثم، آقاجانی، حمید، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ۱۳۹۴، صص ۲۰۸ و ۲۰۹.

آثار میرسیدعلی همدانی

از جناب همدانی کتاب و رساله‌های بسیاری در موضوعات گوناگون تفسیری، روایی، اخلاق، فلسفه و حکمت، عرفان و ادبیات به جا مانده است. او بیشتر از موضوعات حقوق والدین و مناسبات بین زن و شوهر، مقام و مرتبه زن، برادری و دوستی، عدل و شاه عادل، شکر نعمت و مرتبه صبر و انواع صبر سخن گفته است.

با وجود سفرهای طولانی در طی ۷۳ سال عمر پر برکت خود امکان یافت آثار متعددی از خود بر جای گذارد. در کتاب «مروّج اسلام در ایران صغیر»، در بخش دوم هفتاد اثر؛ شصت و دو اثر تحت عنوان «آثار محتوم» و هشت اثر تحت عنوان «آثار منسوب به میرسیدعلی همدانی»، فهرست شده است. دکتر سیدمحمد انواری در مقدمه کتاب «ذخیره الملوك» تعدادی را مشترکاً نام برده‌اند. از جمله آثار ارزشمند وی، «ذخیره الملوك» است که شامل یک مقدمه و ده باب و خاتمه‌ای کوتاه است و به درخواست جمعی از ملوک و حکام کشمیر نوشته و مفصل‌ترین آثار وی است و تحت تأثیر کتاب «احیاء علوم الدین» ابو حامد غزالی است. «مرآت الطالبین» که محتوایی همانند «ذخیره الملوك» دارد. «سیر الطالبین» در بیان حقایق عرفانی است. رساله «اعتقادیه»، «مشارب الاذواق»، رساله «ده قاعده» درباره راههای وصول طالبان حق به جناب درگاه احدیت. رساله «منامیه» درباره بیان حقیقت مثال و خیال مطلق و مقید و کیفیت مراتب منامات و رؤیا، رساله «حل مشکل»، رساله‌های «مشیت»، «واردات»، «آداب المشایخ»، «دوایر القلوب»، رساله «درویشیه» در بیان شرایط کسی که بر مسند ارشاد می‌نشیند. رساله «فتوئیه» در شرح توجیه فتوت و تعریف‌های مشایخ از آن و آداب و شرایط آن و صفاتی که فقیان باید دارا باشند. رساله «ذکریه» در توجیه و تفسیر ذکر. رساله «عقل»، رساله «داودیه» حاوی مطالب رساله «فقریه» و اندکی مفصل‌تر از آن. «اسرار وحی» که ترجمه مکالمات پیامبر (ص) با

خدا و شرح اسرارى که در شب معراج برای رسول خدا کشف شد. «چهل حدیث» رساله‌ای است به فارسی. رساله «چهل مقام صوفیه»، رساله «حقیقت ایمان» که جنبه عرفانی و خداشناسی دارد. رساله «موچلکه»، رساله «حق الیقین»، «نوریه»، رساله «فقریه» درباره اولیاء و احوال و اوصاف آنها و مدعیان ولایت بحث می‌کند. «تلقینیه» از تزکیه نفس و تصفیة قلب و تجلیه روح و شرح و تفسیر کلمه مرید و توبه و تبدیل حرکت بحث می‌کند. رساله «همدانیه»، رساله «بهرام شاهیه»، رساله «عقبات» که جهت پادشاه کشمیر نوشته که به «قدوسیة» هم معروف است و موضوع آن حقیقت ایمان است. رساله «انسانیه»، رساله «منهاج العارفین» که جزء پندنامه‌ها محسوب می‌گردد. «اسرار النقطه» در مورد معرفت اسرار حروف و حقایق اسرار نقطه که یکی از مبانی اسرار علم توحید است بحث می‌کند. رساله «در باب علماء دین»، رساله «صفت الفقرا» در شرح فقر و فضیلت فقرا با استناد به قرآن؛ «اربعین امیریة» حاوی چهل حدیث، «ذکریة عربیه»، رساله «انسان الکامل»، «اورادیة»، رساله «المودة فی القری» حاوی احادیث نبوی در فضایل اهل بیت و آل پیامبر (ص)، «حلّ الفصول»، یا «شرح فصوص الحکم ابن عربی» و در مورد تعلیم مبانی عرفانی به مریدان تألیف شده است. در دیگر منابع از کتاب «السبعین فی فضایل امیرالمؤمنین» هم نام برده شده است که سال ۱۳۷۵ در شیراز با ترجمه و شرح دکتر محمد یوسف نیری به چاپ رسید. هم اکنون در شعبه آثار خطی پژوهشگاه خاورشناسی فرهنگستان علوم تاجیکستان بیش از ۵۶ عنوان رساله علی همدانی محفوظ است و همچنین چند کتاب او در کتابخانه فردوسی موجود است و در کتابخانه‌های شهر همدان نیز ۹۶ رساله از این مرد فاضل محفوظ مانده است. با این حال که برخی از آثار سیدعلی در جمهوری تاجیکستان موجود است. بسیاری از دست خط‌ها در سالهای سلطه حکومت شوروی سابق به سبب روش یک طرفه خاص آن زمان نابود یا پنهان و نایاب گردیده‌اند. در

میان گنجینه موزه میراث خطی و ادبی کولاب جایگاه ویژه‌ای را آثار این مرد فاضل به خود اختصاص داده است که بخشی دست خط و بخشی چاپ سنگی است.^۱

درباره سفرهای میرسیدعلی همدانی

ایشان سفرهای زیادی در طول زندگی پُربرکشان رفتند در شرح حال وی در مقدمه کتاب «ذخیره الملوك» به تصحیح دکتر سید محمود انواری آمده که سه بار به کشمیر رفت در سال ۷۷۴ ه.ق. در دوره حکمرانی شهاب‌الدین همراه هفتصد تن از سادات که اقامتشان چهار ماه طول کشید و از آنجا به حجاز رفتند در سال ۷۸۱ ه.ق. دوره قطب‌الدین برادر و جانشین شهاب‌الدین دو سال و نیم در آنجا ماند. محمد اقبال می‌نویسد: «میرسیدعلی در سفر دومش فعالیت‌های خود را به گوشه و کنار کشمیر بسط داد و در سال ۷۸۳ ه.ق. از طریق ترکستان به لداخ بازگشت». در سال ۷۸۵ ه.ق. دوره قطب‌الدین نزدیک یکسال آنجا اقامت گزید. درباره مهاجرت وی به کشمیر، صاحب‌نظران دو گونه اظهار نظر کرده‌اند یکی اینکه سیدعلی به میل خود و شوق مذهبی که داشته برای خدمت به دین اسلام به کشمیر رفت و دیگر آنکه به سفارش استاد خود جناب شیخ محمود مزدقانی (قدس سره) در اطراف جهان سیاحت کرده بود. دلیل این سفرها اگر از سویی اجرای دستور پیر و مرادش بوده از سویی به جا آوردن رکنی از ارکان تصوف بود. در «منقبت الجواهر»، اثر حاضر - آمده که «امیرکبیر سیدعلی همدانی رو به قبله نشسته بودند که حضرت رسول (ص) حاضر شدند و گفتند: یا ولدی در کشمیر رو و مردم آنجا را مسلمان کن اگر چه بعضی به شرف اسلام مشرفند اما بدتر از کافرنند. چون صبح شد سید فرمودند: در

۱. محمدی، حسین، «نقش سیدعلی همدانی در گسترش فرهنگ ایرانی - اسلامی در شبه قاره هند»، «پور مادستان پیر هندوستان»، به کوشش شریفیان، مهدی، و دیگران، صص ۲۱۳-۲۱۵.

کشمیر خواهیم رفت.» اذکایی از قول «روضات الجنان» و «هفت اقلیم» بیان می‌کند: «از دوران کودکی تا حدود ۳۰ سالگی به شهرهای عراق عجم، سلطانیه، و ولایتهای کردستان، لرستان، سمنان، مسافرت می‌کند و پس از مشهور شدن هفت نوبت و به روایتی سه نوبت سفر به دور دنیا دارد که نهایت در ختلان و بدخشان و کولاب پایان می‌گیرد.» ایشان پس از دیدار از منطقه لداخ به کشمیر رفت و بعد از مدت یکسال اقامت به دلیل بیماری از کشمیر خارج شد و به سوی یاخلی یا باکلی در شمال غربی سرحد پاکستان در مرز هندوستان و افغانستان مراجعه و در آن مکان وفات نمودند. در سفرهای ایشان شاگردان و پیروانش که غالباً از سادات مشاهیر و عرفا و هنرمندان چیره‌دست در شالبافی، بافندگی، سفالگری و خوشنویسی بودند او را همراهی می‌کردند. او در کشمیر با عالمان و کاهنان مذاهب مختلفی چون هندوها و بودایی‌ها، مناظره‌های پیچیده‌ای انجام می‌داد و بر آنان غالب می‌آمد به گونه‌ای مردم را شیفته اسلام نمود که آنان معابد خود را تبدیل به مسجد کردند.^۱

به قول شاعر افتخارآفرین ایران‌زمین، سعدی بزرگ:

«بسیار سفر باید کرد تا پخته شود خامی صوفی نشود صوفی تا در نکشد جامی»

انتقال زبان فارسی، فرهنگ، هنر و صنایع ایرانی به کشمیر
بالا بردن سطح فرهنگ عمومی از مقولاتی است که سیدعلی به آن توجه ویژه‌ای داشت کارهایی چون فرهنگ شهروندی حق زندگی و تملک اموال، حق حریم شخصی، اقتصاد شهروندی، فرهنگ کار و تلاش و کسب روزی حلال، تحول اقتصادی، توجه به صنایع دستی، تغییر در عرف و آداب

۱. محمدی، حسین، «نقش سیدعلی همدانی در گسترش فرهنگ ایرانی - اسلامی در شبه قاره هند»، «پور مادستان پیر هندوستان»، به کوشش شریفیان، مهدی و دیگران، صص

و رسوم و ارزشهای سنتی، حذف خمر و ساتی، تغییر در آداب و رسوم ازدواج، تغییر در لباس، پوشش و غذا، تغییر در مناسک و عبادات، ایجاد سنتهای فرهنگی - عبادی تأکید داشت.

در مورد هنر که یکی از ابزارهای انتقال فرهنگی است جناب سیدعلی مؤلفه‌های فرهنگی ایران را به دو صورت به کشمیر منتقل کرد؛ یکی ترویج هنرهای جدید و دیگری ساخت و ساز و معماری بر اساس فرهنگ ایرانی - اسلامی؛ معرفی صنایع و هنرهای جدید ایرانی الاصل به دست سیدعلی و هفتصد تن از سادات اهل فن و صنعتگری که او به همراه خود وارد کشمیر کرد این هنرها به سرعت بین مردم کشمیر از جمله صنعتگران رواج یافت و همچنین وسیلهٔ امرار معاش عدهٔ کثیری از کشمیریان شد. قبل از ورود ایشان و مریدان به کشمیر صنعت شال کشمیر رو به زوال بود اما با همت والای شاه همدان و حمایت سلطان قطب‌الدین این صنعت جان دوباره گرفت و منبع درآمد عدهٔ زیادی شد در تأیید نقش جناب سیدعلی همین بس که این صنعت را در کشمیر با نام «کار امیر» می‌شناسند و امیر اشاره به جناب سیدعلی همدانی است که در کشمیر به «امیرکبیر» معروف است. صنایع دستی متعددی از جمله شالبافی، کلاه‌بافی، قالی‌بافی، مسگری، خوشنویسی، سوزن‌کاری، گلدوزی، کاغذسازی، تذهیب، کار روی نقره و برنز، صحافی، ابریشم‌بافی، سنگ‌تراشی و معماری و بسیاری دیگر از جمله مواردی است که جناب سیدعلی و یارانش در کشمیر رواج دادند.

وی با انتقال زبان فارسی به کشمیر تلاش کرد تا از طریق ایجاد مدارس، خانقاه و کتابخانه‌ها فرهنگ اسلامی و هویت ایرانی را به مردم آن سرزمین انتقال دهد. آمده که خطابه‌ها و مواعظ سید به زبان فارسی بوده و مریدانی که به زبان کشمیری تسلط داشتند، صحبت‌های ایشان را برای مردم ترجمه می‌کردند. «اوراد فتحیه» که مسلمانان کشمیری به عنوان بخشی از آداب عبادی خود پس از فریضهٔ صبح زمزمه می‌کردند هم به زبان فارسی

بوده است. کتابهای «آداب سفره»، «طایفه مردم»، «معاش السالکین» که از تألیفات جناب سیدعلی است به فارسی بوده است. در نتیجه تلاش‌های وی و یارانش زبان فارسی و عربی برای تدریس علوم دینی و دنیوی، جای زبان سانسکریت را گرفت. تأسیس مدارس آموزش علوم اسلامی نیز از بسترسازیهای انتقال زبان فارسی به این خطه بود. «مدرسه القرآن» مدرسه‌ای وسیع و مهم بود که به درخواست او در کشمیر ساخته شد و از تمامی نواحی کشمیر طالبان علم و معرفت گرد آمدند و بزرگترین شاگردان سید در همین مدرسه پرورش یافتند. کشمیر به «ایران صغیر» ملقب شد و سیدعلی «حواری کشمیر» نامیده شد. هرچند مردم این ناحیه دیرتر از غالب مناطق شبه قاره هند با زبان فارسی آشنا شدند ولی تعداد نویسندگان و شاعران پارسی‌گویی که از این ناحیه برخاستند افزون‌تر است.^۱

روش تصحیح نسخه

برای تصحیح اثر حاضر در ابتدا، تنها از نسخه کتابخانه خانقاه احمدی استفاده کردم بنابراین آن را نسخه اساس قرار دادم با وجود دشواریها آن را به اتمام رساندم ولی در حین بازخوانیهای مکرر متوجه دو نسخه دیگر یعنی ایندیا آفیس در هند و نسخه‌ای در کتابخانه ملی ایران شدم. ولی نسخه کتابخانه خانقاه احمدی افتادگی‌هایی داشت که خوشبختانه افتادگی‌ها با استفاده از دو نسخه دیگر تکمیل شد. سعی کردم املای نسخه را تغییر ندهم تا اصالت خود را حفظ کند و خواننده را در همان زمان کتابت قرار دهد. کلمه‌ها و عبارت‌هایی به نظر قابل توجه هستند مانند: رفته رفته، شده شده، تک و دو، سگان، همه‌ها، شمایان، شروع، کلانترین، بعده، قال قال؛ که

۱. جیحونیان، علی، «نقش فرهنگی میرسیدعلی همدانی در توسعه فرهنگی ایران صغیر (کشمیر)»، «پور مادستان پیر هندوستان» و دیگران صص ۵۲۷-۲۶۱؛ کتاب محمّدی، حسین، «نقش سیدعلی همدانی در گسترش فرهنگ ایرانی - اسلامی در شبه قاره هند»، «پور مادستان پیر هندوستان» و دیگران، ص ۲۱۲.

دیگر استفاده نمی‌شوند. در پاورقی بعضی کلمات را برای درک بهتر مخاطب معنی‌اش را ذکر کردم. به طور کلی متن ساده و قابل فهم است و مخاطب را به زحمت نمی‌اندازد.

۱- پرانتز شکسته < >: استفاده شده در کلمه یا جمله‌ای که در اساس افتادگی داشته یا اشتباه بوده و یا در نسخه دیگر کلمه بهتری از نظر معنا بکار رفته که البته در پاورقی مشخص شده که از کدام نسخه گرفته شده است.

۲- علامت +: استفاده شده در کلمه یا جمله‌ای که در نسخه بدل بوده اما در نسخه اساس نیست و لزوم هم ندارد که باشد یعنی به لحاظ معنایی تفاوت چندانی ایجاد نمی‌کند. و - : استفاده شده در کلمه‌ای که در نسخه اساس نبوده است.

۳- نام سوره‌ها و شماره آیات در پاورقی ذکر شده است.

۴- شماره‌های داخل [] خواننده را ارجاع می‌دهد به توضیحات پایان متن.

۵- شماره‌های داخل () برابر صفحه نسخه اصل است.

نسخه موجود در کتابخانه احمدی شامل پنج رساله است؛ منقبت چهارمین رساله از این مجموعه است که از صفحه ۱۰۵ این مجموعه آغاز می‌شود. شایان ذکر است برخی ابیات دارای وزن شعری نمی‌باشند؛ اشعار به همان صورت که در نسخ نگارش شده، آورده شده است.

نسخه‌های موجود از «مستورات»

نسخه‌های کتاب «منقبت الجواهر» یا «مستورات» معدود است از جمله:

نخست: نسخه کتابخانه خانقاه احمدی بی‌کا، بی‌تا (فیلمها ف: ۶۳۱-۱).

این نسخه خطی تحت شماره ۴۵۵-۳۴۱۵ و در قفسه شش در کتابخانه

احمدی نگهداری می‌شود و دارای پنج رساله است: ۱- مجلس غدیر خم

۲- فصل تحقیقات از کتاب صفوة الصفا، ۳- مقامات الصوفیه،

۴- منقبت الجواهر، ۵- مکتوبات حضرت امیر سیدعلی همدانی قدس سره؛ رساله منقبت الجواهر از برگه شماره ۱۰۵ تا ۱۵۴ این مجموعه را شامل می شود که در تصحیح با عنوان «احمدی» در پاورقی ذکر شده است.

دوم: نسخه کتابخانه دیوان هندوستان (ایندیا آفیس اته) ۱۸۵۰، خط: نستعلیق، بی کا، بی تا، ۵ گ، (۳۴۶-۳۴۲)، (فیلمها ف: ۱۱۱-۲) به شماره ۲۴۸۶ (فیلم شماره ۳۲۶۶ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران). در این نسخه کاتب مقدمه حیدر بدخشی را نقل نکرده و احتمالاً از خود یا از منبعی دیگر صفحاتی را به ذکر ورود سیدعلی به کشمیر و اقامت گزیدنش در آن سرزمین، چگونگی بنیان نهادن خانقاه اختصاص داده است. در پاورقی تصحیح با عنوان «هند» آمده است.

سوم: نسخه کتابخانه ملی ایران به شماره ۲۲۴، بی کا، بی تا، (فیلم شماره ۱۸۹۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران). در ابتدای نسخه چنین آمده «منقبت الجواهر مولانا حیدر بدخشی، خوارق عادات میر سیدعلی همدانی، قطب». سپس مانند نسخه کتابخانه خانقاه احمدی دیپاچه ای از مؤلف کتاب، حیدر بدخشی آمده است که سبب تألیف کتاب را بیان می دارد. ولی نسخه کتابخانه ملی در انتها دارای افتادگی است و مطلب به سرانجام نرسیده به مکتوبات جناب همدانی پرداخته است. در پاورقی با عنوان «ملی» ذکر شده است.

افتادگی نسخ

نسخه خانقاه تهران: صفحه ۲۴؛ ۲۷ سطر. صفحه ۵۳؛ حدود ۴۵ سطر. صفحه ۶۶ حدود ۲۲ سطر افتادگی دارد.

نسخه کتابخانه ملی: صفحه ۵۳ حدود ۴۴ سطر و از صفحه ۶۵ تا انتهای نسخه افتادگی دارد.